

## باشگاه غیرسینمایی

## به رنگ ارغوان

### هیاهویی برای هیج

مانلی فخریان

**بهروز غریب‌پور** کارگردان نامی تئاتر ایران که به تازگی اِیسرای مولوی را به اجرا گذاشته بود، با وجود همه گرفتاری‌های کاری هنوز به سینما وفادار است و دیدگاه خاص خود را درباره یکی از فیلم‌های جشنواره با ما در میان گذاشت.

-- --

– درباره آخرین فیلم سینمایی ایرانی که دیدید چه نظری دارید؟

آخرین فیلمی که دیدم «به رنگ ارغوان» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا بود و به نظر من این فیلم هیاهویی برای هیچ بود. با اینکه من حاتمی‌کیا و کارهایش را دوست دارم اما این بار عذر و بهانه قیچی سانسور را نمی‌پذیرم. این فیلم تاثیرگذار نبود و بر از اشتباهات ابتدایی کارگردان بود. من باور نمی‌کردم این فیلم را حاتمی‌کیا ساخته باشد. چطور می‌شود چنین کارگردانی آنقدر اطلاعات نداشته باشد که جنگل و درختان آن برای یک فیلم‌ساز انجام می‌شود. مهم است که در وسط جنگل آن را به آتش نکشد. حتی اگر این کار سمبلیک باشد کار اشتباهی است. از سوی دیگر روش‌های رصد کردن زندگی خصوصی مردم کاری بود که خواسته یا ناخواسته به مردم آموزش غیرمستقیم می‌دهد. اگر این کار در فیلم‌های امریکایی انجام می‌شود حقوق شهروندی هم رعایت می‌شود. در مجموع به نظر من فیلم ناموفق بود، برخلاف تمام آنچه شایع کرده بودند. حاتمی‌کیا باید فیلم دیگری بسازد تا دوباره مثل قبل باشد.

– به نظر شما فیلم **چقدر باورپذیر** بود؟ این فیلم مطلقاً زاییده خیال و تصور کارگردان بود. اینکه یک نفر از همه مسائل سیاسی سرپید باشد و به گروه مخالف بپیوندد و بعد به وطن برگردد در واقع نوعی دلسنتان‌های من‌درآوردی و شایعات در کنار هم بود. من بازی‌ها، صحنه‌ها و کارگردانی را دوست نداشتم. حاتمی‌کیا در کل کارگردان ناموفقی نیست اما با وجود این ایرادها این فیلم برای کسی دیگری بود اگران نمی‌شد. – **ترجیح می‌دهید در منزل فیلم ببینید یا سینما؟** با توجه به گرفتاری‌های شغلی که دارم ترجیح می‌دهم در سینما فیلم را ببینم. به رنگ ارغوان را هم در پردیس سینمایی ملت دیدم. اما گاهی بعضی فیلم‌ها را نمی‌توانم در سینما ببینم یا به دلیل خود فیلم که اکران نمی‌شود یا برحسب شرایط کاری خودم.

– **عمده‌ترین مشکل سینمای ایران کجا است؟**

من فکر می‌کنم مشکل سینما در این است که انتقاد در آن آزاد نیست. هر گروه یا صنفی که درباره سینمای ما به سمت کمدی‌های سخیف رفته و این را مسوولان فرهنگی به وجود آورده‌اند. شرایط برای کارگردان و تهیه‌کننده جوری شده که ناچار به سمت پدید آوردن این سینما می‌روند. در سینمای قبل از انقلاب صنف کلاه‌مخملی‌ها چون سندیکا و صنفی و نماینده‌ای هم در مجلس نداشتند، خودشان حامی خود و سوزه خوبی برای سینما شدند. اما در حال حاضر نمی‌توان از پزشک، هنرمند، سیاستمدار و هیچ صنف دیگری حرف زد. در نتیجه سرمایه کارگردان و تهیه‌کننده می‌خوابد.

پس این روند به سمت سینمای کمدی سخیف. شباهت فیلم‌های فارسی ضعیف قبل از انقلاب با این سینمای کمدی این است که هر دو فیلم‌هایی بی‌خطری هستند. در حالی که اشتباه در این است که این فیلم‌های بی‌خطر گاهی خطرناک‌تر از فیلم‌هایی هستند که موضوعی را زیر سوال می‌برند. متأسفانه فیلم‌های بی‌خطر و بی‌حرف و محتوا نسلی اینچنین به وجود می‌آورد. از سوی دیگر مشکل سینمای ما در گرفتن جایزه هم هست.

بهترین کارگردان‌های ما که می‌توانند در ایران فیلم داستانی بسازند چون حمایت و حق انتقاد ندارند سوزدهای خود را به خارج از ایران می‌برند که هم تهیه‌کننده‌ها از آنها حمایت می‌کنند و هم انواع جوایز را کسب می‌کنند. جوان مستعدی که فیلمی درباره کردستان ساخته بود با من صحبت می‌کرد و به او گفتم این فیلم سراسر دروغ است اما او گفت در خارج از ایران تهیه‌کننده برای این فیلم هزینه می‌کند و امکان برنده شدن هم برای فیلم هست. کارشناسان ما به دفعات این موضوع را آسیب‌شناسی کرده‌اند اما هنوز جرات رفع این مشکل را ندارند. وقتی فیلمی مثل مارمولک اینقدر مورد استقبال قرار می‌گیرد با هم مورد کج‌سلیقگی قرار می‌گیرد. اگر فیلم‌های مثل طل و مس، زبیر نور ماه و مارمولک را نمی‌توان ساخت باید سراغ سوزه‌های ضعیف اجتماعی رفت. مشکل ما یک بام و دو هوایی است. همه هنرها حتی تئاتر و موسیقی می‌خواهند رشد کنند اما به دلیل محدودیت زیاد و راه حل اندک این اتفاق نمی‌افتد. آنچه سینمای ما را نابود کرده نداشتن تعریف صحیح از آزادی بیان و چارچوب دقیق قانونی برای بیان آنچه در جامعه رخ می‌دهد، است. چون سینما آینه تمام‌نمای جامعه است و باید قدرت نقد داشته باشد باید فارغ از مذهب‌بندی سیاسی و گروه‌گرایی این مشکل را حل کرد. به دورهای قبلی مدیریت هم این مشکل را داشتیم که هنرهای ما نمی‌توانستند نفس بکشند. باید ۱۰ درصد افراد برای این فضاها و شیطنت‌های سینمایی باشند اما ۹۰ درصد بقیه نباید قربانی آنها شوند. روزی می‌رسد که سینمای ما به نقطه صفر برسد و مسوولان ناچار شوند آزادی مطلق به سینماگران ماهر بدهند تا بتوانند هنر خود را عرضه کنند.

## میزگردی با حضور کامبوزیا

### پر توی، ابوالحسن داودی

### و عزیز الله حمیدنژاد

# سینما حذف‌شدنی نیست

### الهه خسروی

داریم که بتوانیم تحت همین شرایطی که الان موجود است خواسته‌های پنهان در این دستورالعمل‌ها را اگر

– **خب اگر این مقابله به معنای حذف شدن باشد چی؟**

**پر توی:** به نظر سینمای ایران هیچ وقت حذف نمی‌شود. این دشنی نیست. ممکن است زیرزمینی شود که به ضرر خود دولت است. به‌نظرم سطحی‌نگری است اگر دوستان شرایط را به اینجا برسانند که با یک چنین دستورالعمل‌ها و امریهایی سینمای ایران را به یک جوی خط‌بندی‌شده برگردانند نه، در این صورت سینمای ایران زیرزمینی می‌شود و وقتی زیرزمینی شد خطر بزرگش برای همین دولت است که نگران جوابت سینما است. الان هم خیلی این کار ساده و امکان‌پذیر است. یعنی گاهی با یک موبایل می‌توانید فیلم بسازید و دیگر محدود کردن شرایط خیلی سخت است. بنابراین اگر هوشمندانه با این شرایط برخورد نشود و صرفاً به این دستورالعمل‌ها بسنده شود و صنف و قوه عاقله صنف وارد این قضیه نشود و احساس همدلی نکند بازنده، صنف نیست خود دولت است. من یکی شک ندارم این شرایط اگر در تعامل با صنف و بدنه قانونی و حقه سینما نباشد سرنوشت محتوی خواهد داشت.

**پر توی:** من هم حق را به آقای داودی می‌دهم. یک موقعی ۲۷۰ نفر کارگردان بودند اما الان در هر خانه سه کارگردان وجود دارد. یعنی اصلاً قابل کنترل نیست. این وضعیت دستورالعمل برنمی‌دارد. دستورالعمل مال آن زمانی است که همه چیز تحت اختیار دولت بود. الان سینما توانسته به یک جاهایی راه باز کند، یک جورهایی خودش را به نمایش بگذارد و به خاطر همین مطمئن‌نیستم که با این دستورالعمل‌ها کاری بشود که من اگر الان فیلم داشتم به هیچ عنوان به ارشاد نشان نمی‌دادم. مستقیم دست پخش‌کننده خارجی‌ام می‌دادم چون فکر می‌کنم دولت در آن مرحله‌ای که پروانه ساخت و نمایش بدهند تصمیم‌اش را گرفته، باقی‌اش دیگر به کسی ربطی ندارد.

حیدمنژاد: به عقیده من هیچ مدیریت فرهنگی‌ای اگر درایت باشد سعی نمی‌کند محدودیتی ایجاد کند. سعی دارد مصونیت ایجاد کند. من فکر می‌کنم مسوولان فلی‌هم تلاش

خودشان را کردند. یعنی در قضیه

دخترچه سیاست‌گذاری اعلام کردند اصناف سیاست‌ها را بخواهند و هر نقدی دارند به ما بدهند. شورای تهیه‌کنندگان نقد کرد و در دخترچه دوم بعضی نکات که اصناف گوش‌زد کرده بودند اصلاح شد. من فکر می‌کنم این دولت نسبت به آنها بی‌گدار به آب‌بزند. چون اصلاً موقعیت اجتناب می‌کند که با صنف تعامل می‌کنند. نمی‌دانم منظور شما از تعامل نکردن چیست؟

**حمیدنژاد:** معاونت‌های فیلم هم همین کار را می‌کردند. یعنی هر کدام یک دخترچه سیاست‌های سینمایی داشتند فقط در دوره مرحوم «داد» این اتفاق نیفتاد. یک‌سری محضری شکل

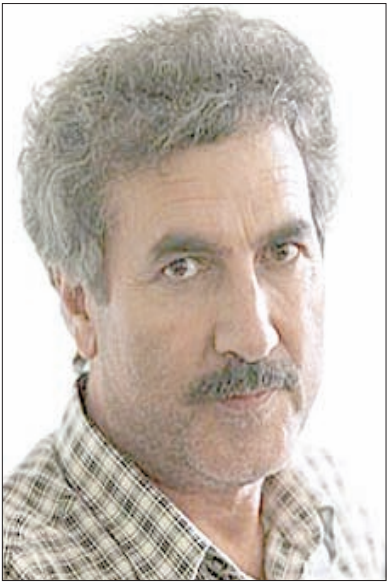
شد که نظرات اصناف را می‌خواستند و لحاظ می‌کردند که آن هم متأسفانه تعطیل شد و به نتیجه نرسید. در هر صورت من فکر می‌کنم سینما که قابل حذف شدن نیست. آن هم در کشور ما که در دنیا جزء ۱۵۰۰۱ کشوری است که صاحب سینما است و دنیا سینمای آن را می‌شناسد. کسی که در راس مدیریت فرهنگی قرار می‌گیرد باید تلاش کند؛ از این نیروی بالقوه استفاده کند نه اینکه طرش بکند. اصلاً به نفع منافع ملی نیست که سینما را طرد یا حذف کنند. باید به آن اعتلا ببخشند و متعامل ملی را از طریق این لحاظ کنند.

– **نظر شما درباره عملکرد معاونت سینمایی در یک سال اخیر چیست و فکر می‌کنید این عملکرد در کوتاه‌مدت چه آینده‌ای برای سینمای ایران رقم می‌زند؟**

**داودی:** گفتم تجربه نشان داده آدم‌هایی که از بدنه سینما به عنوان یک سینماگر می‌آیند بیشتر توانایی و بهشت‌ترین پتانسیلی که در اختیار دارند این است که از آن بندگان نشان با بدنه سینما استفاده کنند و چیزهایی را که می‌خواهند پیش ببرند. طبعاً آقای شمقدری این هوشمندی را به کار برده که بتواند ارتباطش را با این بدنه حفظ کند. خب در خیلی از چیزهایی که برای سینما می‌خواهد، می‌تواند موفق باشد ولی اگر نتواند حفظ کند که من آن طور که دیدهام متأسفانه در خیلی از موارد این بند ناف خیلی نازک شده و یک جاهایی در حال بریده شدن است. بنابراین در این شرایط اگر بند ناف جدا شود من توانایی یک مدیر غیرسینمایی را خیلی بیشتر از کسی می‌دانم که از سینما وارد این حوزه شده.

**پر توی:** به‌نظرم جز دستور کار عملکرد دیگری نداشته است. باید ببینیم چه فیلم‌هایی در زماش اثر شده، چه فیلم‌هایی راحت‌تر اکران شدند و وضعیت فیلم‌ها از سپید خاواده تا اکران عمومی چطور بود. راستش این وضعیت اصلاًامیدوارم نمی‌کند. حتی در مورد این آخرین طرح یعنی طرح جدول‌بندی اکران فیلم‌ها خیلی از دوستان منتظرند ریز این طرح عنوان شود. چون خود آقای سجادپور گفته شما که هنوز نمی‌دانید این طرح چه نکاتی را دربر می‌گیرد و ما منتظریم. اما حتی اگر آن ریز موارد هم بیاید امیدوار نیستم، چون ما برگشته‌ایم به دو دهه قبل، مگر اینکه همین مساله در یک جمعی از دست‌اندرکاران سینما تصمیم‌گیری شود. آن موقع می‌توانیم بگوییم پس این یک برنامه مشترک بوده که دولت هم حامی‌اش نبوده. ولی هنگامی که می‌بینم از وقتی آمدند جز محدود کردن هیچ کاری دیگری نکردند، به همه طرح‌ها متشکرم.

– **خب آقای شمقدری که معتقدند نه تنها محدود نکردند بلکه مثلاً تمام فیلم‌هایی را هم که توقیف‌بوده اکران کرده‌اند و مجال نمایش را برایش فراهم کرده‌اند.**



**پر توی:** محدود کردن این است که می‌گویند فلان فیلم در شهرهایی مثل مشهد و قم نمایش داده نشود. یعنی آنها جزء ایران نیستند یا..

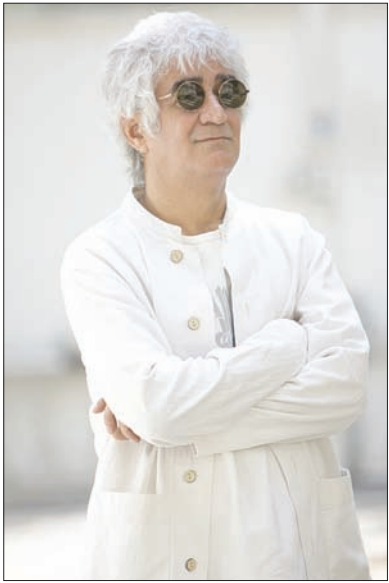
**داودی:** ببخشید من راجع به این مساله یک نکته‌ای را بگویم.. کدام فیلم توقیفی؟ وقتی یک فیلمی مثل به رنگ ارغوان که بعد از پنج سال تبدیل به یک کالای درنایارمانده شده، می‌آید اکران می‌شود و حاصلش هم می‌شود چیزی که برای اکرانش اتفاق افتاد، چه رفع توقیفی؟ فیلمی که اگر در زمان خودش اکران می‌شد مثل دیگر فیلم‌های حاتمی‌کیا مثل ازآسای شیش‌شاهی می‌توانست یک شرایط جدیدی در سینما به وجود بیاورد تبدیل شد به فیلمی مهجور که در حاشیه سینما محال بروز پیدا کرد. من به شخصه نسبت به این قضیه معترضم. چرا باید بنده فیلمی را دو سال تمام با سرمایه ملی بسازم، دو سال همه نهادهای دولتی، عرفی و شرعی بر آن نظارت دقیق داشته باشند و حتی بعد از مونتاژ این نظارت وجود داشته باشد ولی بعد توقیف شود و زمانی اکران شود که دیگر تاریخ مصرفش گذشته است. این معنایش آزاد کردن فیلم‌های توقیفی نیست. اگر فیلم زادمود پنج سال دیگر به نمایش دربیاید دیگر به درد نمی‌خورد. این فیلمی است که در شرایط روز جامعه، سینماگرزده است، شما پنج سال این را بگذارید توی گاوصندوق و بعد بگویید ما فیلم را آزاد کردیم. به‌نظرم این نمی‌تواند جزء پرورنده محسوب شود. زمانی حساب می‌شود که وقتی یک فیلم در زمین همین ریاست‌جمهوری می‌آید و بالاترین جایزه دولتی را هم می‌گیرد در محاق نماند. این دیگر مشکل من نیست، ناشی از ناتوانی آن جریان تصمیم‌گیرنده است که زمانی یک جور نگه می‌کند ولی دو ماه بعد، به شکل دیگری.

**حمیدنژاد:** فیلم‌هایی که در دوره مدیریت جدید آزاد شدند، فیلم‌هایی هستند که در دوره‌های قبل توقیف شده بودند. به قول آقای داودی دیگر فایده هم ندارد. فیلمی که چهار پنج سال بماند تاثیرش را از دست می‌دهد. در دوره جدید باید ببینیم چه عملکردی داشته است. فیلم‌هایشان که هنوز درنیامده.

داودی: فقط جلوی یکسری فیلم‌ها را گرفته‌اند.

**حمیدنژاد:** و فیلم‌هایی که ساخته شده اکران نشده که آدم بتواند نگاهش را به سینما محک بزند و ببیند چه فیلم‌هایی را دوست دارند تولید می‌شوند. اما نظر شخصی من این است که خیلی عجولانه پروانه ساخت صادر کردند. و اینص عجولانه پروانه صادر کردن به دلیل فشارهای سیاسی تبعاتی دارد و ممکن است خیلی از فیلم‌ها حتی قابل دفاع نباشند. اما در مورد سیاست‌هایی که در دفترچه اعلام کردند باید بگویم این سیاست‌ها تئوری است. اما سینما عرصه عمل است. باید در عمل دید که چه می‌کنند و نتیجه به کجا می‌انجامد. در مورد اکران فیلم‌ها هم دولت دستنی در اکران نداشته. اکران امسال دست صنف بوده است. شورای صنفی و دیگر اصناف بودند که فیلم‌ها را اکران کردند و الان مقابل هم قرار گرفتند و ناراضی‌اند. اصولاً ایده‌آل این است که وقتی شورای صنفی تشکیل می‌شود و قدرت می‌گیرد فیلم‌ها را به نوعی اکران بکند که همه راضی باشند. اعم از تهیه‌کننده، پخش‌کننده و سینمدار، ولی الان اوضاع طوری شده که یکسری پخش‌کننده محدود و سینمدار راضی‌اند. منافع همه در نظر گرفته نشده است. یعنی تمام تلاش‌هایی که در این چند سال شد به اینجا انجامید که همه دفتر پخش دست دو دفتر پیش افتاد که ۷۰ درصد فیلم‌ها را در اختیار این دو دفتر می‌کنند. خب طبیعتاً این لحاظ نمی‌دهد. برنامه، برنامه موفقی نبوده ۱۷، ۱۸ دفتر پخش وورشکست شدند و ناراضی‌اند. البته سینمداران راضی‌اند چون راحت می‌توانند با آن دفترهای محدود برانیند و ببینند چه فیلم‌هایی اکران کنند – **به عنوان بحث آخر، با این نگاهی که الان به خانه سینما وجود دارد به خاطر فاصله‌ای که بین دولت و خانه سینما هست، فکر می‌کنید از میزان تاثیرگذاری خانه سینما در یکی دو سال دیگر کم شود؟**

داودی: تعریفی که باعث به وجود آمدن خانه سینما شد با تعریفی که الان خانه سینما وجود دارد زمین تا آسمان متفاوت است. یعنی خانه سینما در زمان انتقال قدرت از یک جریان که جریان گروه آقایان آوار و بهشتی و حیدریان بود در دهه ۶۰، به شکل دیگر حاکمیت به وجود آمد. برای اینکه بتواند یکسری برنامه‌ای را که برای سینما در همان زمان اجرا شد مثل جریان فارابی و سینمای گلخانه‌ای و.. حفظ کند و این کاملاً به شکل بخشی در دولت تعریف شد. تشکیلات خانه سینما به شکل سندیکایی به وجود نیامده که حالا ما به شکل مطلق از آن انتظار یک سندیکایی داریم داشته باشیم. بعداً این شرایط به نوعی از بیرون به آن تحمیل شد و کار به جایی رسید که تعریف به‌وجودآمد با تعریف اولیه دچار تناقض شد و این تناقض هنوز هم وجود دارد. مثلاً یکی از لیهامات بزرگ خانه سینما این است که خانه سینما نهاده‌ی است که هم کارفرما را پوشش می‌دهد هم کارگزار را و این در هیچ نظام سندیکایی به یک جور تعریف نمی‌شود. این فقط در شرایطی می‌تواند باشد که بخواید همه این‌ها را به عنوان یک گروه کاری تعریف کند که سرخ‌شان به دولت وصل باشد. تا وقتی که این تعریف در دولت وجوددارد که خانه سینما نهاده‌ی است متشکل از صنف تهیه‌کنندگان و ۲۹ صنف تولیدکننده و خدماتی و دانشگاهی و.. آن هم هر کدام با یک رای، خب این اصلاً در هیچ نظام صنفی قابل تعریف نیست. مثل این است که شما بگویید صاحب یک موسسه بزرگ یک رای دارد، همه کارمندان، از کارمندان ارشد گرفته تا دران دم به هم یک رای دارند و می‌توانند تصمیم



بگیرند. خب آنجا که دیگر به مدیر احتیاج ندارد. فویش باید یک شور داشته باشد. پس باید این تناقضی که در تعریف خود خانه سینما وجود دارد و سال‌ها به گریبانگیرش است و سال‌ها سعی شده حل شود اما با مقاومت دولت مواجه شده، عوض شود. بارها این تغییر به شورای عالی انقلاب فرهنگی هم رفته، اسانسه‌ام درآمده ولی فایده‌ای نداشته. به خاطر همین است که خانه سینما همیشه انگار یک دستش‌زهر زیور دولت مانده است؛ فرق هم نمی‌کند چه دولتی، یک دولتی بهاش همکاری کرده مثل دولت آقای خاتمی و معاونت سینمایی سیفاله داد و یک دولتی هم همراهی نکرده مثل دولت آقای احمدی‌نژاد و معاونت سینمایی شمقدری. آن چیزی را که حداقل ما در این چند هفته شاهد بودیم این بوده که خانه سینما خودش در عرصه مدیریت شرایطی فراهم کرده که امکان چسبیدن وصله‌هایی به او فراهم آمده. یعنی در یک برهه‌هایی خانه سینما تمام تلاشش را کرده که هیچ گونه وصله ایدئولوژیک بهش نچسبد ولی از یک طرف دیگر ما می‌بینیم در جراحی این تعریف کم‌کاری می‌شود. به خاطر همین خانه سینما توانایی این را نداشته که از اصلی‌ترین بخش خودش را که مشکل‌سازترین بوده و بیشترین آسیب را رسانده، یعنی بدنه تهیه‌کنندگی را نظم و نسق بدهد. اگر می‌توانست این کار را بکند طبعاً این خسارت برایش به وجود نمی‌آمد. یعنی این خسارت را من فقط ناشی از سوءاستفاده‌فلان دولت نمی‌دانم، بخشی‌اش را ناشی از کم‌کاری خودمان می‌دانم. چون فشار نیازوریم این تعریف را عوض کنیم، حتی زمانی که من خودم در خانه سینما بودم. چون تا می‌خواستیم این کار را بکنیم دولت مقاومت به خرج می‌داد.

**پر توی:** من هم همه این حرف‌ها را تایید می‌کنم. ضمن اینکه باید اضافه کنم دولت جدید چندان با صنف مهربان نیست و خانه سینما هم فقط دار سعی می‌کند همه جور بماند.

**داودی:** به‌نظرم خانه سینما به جای اینکه به یک جریان اپوزیسیون تبدیل شود باید سعی کند مبنای اتهاماتی را که می‌تواند بهش وارد شود از خود دور کند. یعنی بگدغه بر مبنای این تعریف نشود که به یک جریان فکری وابسته است. مثلاًاتفاقی که در کانون کارگردان افتاد بر بخوردی که در شورا شکل گرفت و برکناری رئیس‌شان خیلی مهم‌نمایی کرد برای اینکه آدم‌ها از جمله خود من این سوال را از خود ببرسیم که چه اتفاقی دارد می‌افتد که مدیران خانه سینما و جریانی که خانه سینما را شکل می‌دهد، ناگهان دست به اقدامی می‌زند که هیچ تعریفی برایش ندارد. و اصلاً با ماهیت کارگردان که قدرتمندترین و بافوق‌ترین کانون صنفی ۲۰ساله‌اخیر بوده هیچ قرابتی ندارد. می‌کند که این متزلزل است. نیاز به یک برنامه‌ریزی و وحدت بین اصناف هست تا منسجم شود. الان همین معضل اساسی‌ای که در مورد پخش و اکران به وجود آمده خانه سینما می‌توانست تاثیر بگذارد و اجازه ندهد کار به اینجا بکشد. متأسفانه تاثیرگذار نبود و شورای صنفی جایی شد بر پای زد و بند.

**حمیدنژاد:** و اگر این کار را می‌کرد طبیعتاً پخش به چند دفتر محدود نمی‌شد و تکلیف اکران یک فیلم را بازیگر و سینمدار روشن نمی‌کرد. شاید در واقع آرایش اکران را صنف به مفهوم واقعی طرح‌ریزی می‌کرد نه چند نفر معدود که منافع‌طلب اجاب می‌کند که آرایش اکران را طوری طراحی کنند که بسیاری از تهیه‌کنندگان حذف شوند. یعنی تهیه‌کنندگان‌گی که پخش و سینما دارند به نوعی منفعلند و این همه برمی‌گردد به تاثیریی که خانه سینما می‌توانست بر ما کارگر داشته باشد و ندارد. به هر حال جریان شخصی من این است که اگر هر برنامه‌ای از طرف اصناف یا دولت ریخته شود قدرت پخش‌ها را محدود کند و قدرت پخش را ببن دفترهای پخش توزیع کند و سینماها را گروه‌بندی کند، جلوی یک نوع مافیای زیرزمینی گرفته شده است. چراکه قدرت متشکل شده است و محدود به گروه خاصی نیست. همه از آن استفاده می‌کنند. سینما یک پیگیر است و این یک پیگیر باید همه اصناف به حق و حقوق‌شان برسند. در غیر این صورت سینما دچار بیماری می‌شود و وقتی دچار بیماری شد فیلم‌های یک شکل و سطحی ساخته می‌شود که فقط منافع یک عده را تأمین می‌کند نه منافع ملی که کشور را

**داودی:** واقعاً آقا با نگاه دلسوزانه هم ببینیم و حتی خیلی خوشبینانه بپذیریم که منظور عمده دولت از اجرای این طرح عدالت است و می‌خواهد بخشی از حقوق کسانی را که این جریان

### نگاه

#### مهمانی زنانه در سینمای ایران

تنوع موضوعی نکته‌ای است که با دیدن فیلم‌های روی پرده سینما می‌توان به آن اشاره کرد. روی پرده سینماها بازیگران مشهور در نقش‌های کمدی دیده نمی‌شوند. اما دیدن این فیلم‌های روی پرده نیاز به صبر و شکیبایی دارد، به خصوص که این روزها فیلم‌ها با حضور بازیگرانی اکران می‌شود که ستاره فیلم‌های مستقل و صاحب سلیقه هستند.

#### پیداری رویاها

نمایش چهره دیگری از جنگ و مردان جبهه از آن اتفاقاتی است که در کمتر فیلمی به چشم می‌خورد. فیلم «پیداری رویاها» قرار است از جمله آن فیلم‌ها باشد. حضور امین حیایی در نقش‌ی متفاوت از ویژگی‌های این فیلم است، فیلمی که به قول کارگردانش خواهرزاده فیلم قبلی‌اش «فرزند خاک» است. فیلم‌هایی که مشخصه هر دویشان حضور پررنگ زنان است. زنانی که به سبب جنگم آسیب دیده‌اند. کارگردان فیلم از یک نکته گفته است؛ اینکه هر دو طرف او را مورد انتقاد قرار می‌دهند، هر دو طرف ماجرای فیلمسازی در ایران. اما بی‌تردید نگاه واقع‌گرایانه این کارگردان به جنگ می‌تواند از خصوصیات فیلم باشد. شاید اینها به زندگی واقعی‌اش در آبادان برمی‌گردد. اما فیلم با سردی بی‌پایان واقعیت همراه است. البته قصد همین است. سردی و چرکی جزئی از قصه و عمده‌ی است. عشق رخشانه نبوده‌شده و او به دلیل فشارهای بیرونی با دلود ازدواج کرده است. در این بحران جدید او را باید به عنوان زن ایرانی مسلمان و زن شهید دید تا تنهایی‌اش را حس کرد. تلخ بودن فضا و بازگشت شهری که دیگر کسی منتظرش نیست، روابط را از هم می‌پاشاند. بعد از آمدن ایوب همه از زن تنهای ناچار فرار می‌کنند.

### چهل‌سالگی



زنان فیلم چهل‌سالگی به گفته کارگردانش «علیرضا رئیس‌یان» نه فمینیست هستند و نه سنتی؛ زنانی واقعی هستند. دیدن دوباره لایلا حاتمی از ویژگی‌های فیلمی است که بر اساس یک رمان ساخته شده است. هر چند فیلم به سرعت توانست مخاطب پیدا کند و ۷۰ میلیون تومان بفروشد اما در تبلیغات شهری محروم شود. این فیلم فرصت خوبی برای نویسنده اثر «ناهدی طباطبایی» نیز بوده است اما انگار کتاب در کتابفروشی‌ها زیاد پیدا نمی‌شود. گویا قبل از رئیس‌یان کارگردانی همچون محمدعلی نجفی، رسول صدرعاملی، رخشان بنی‌اعتماد و کیانوش عیاری



هم برای استفاده از این رمان گفت‌وگوهایی داشتند، اما به دلایلی این کار به سرانجام نرسیده بود تا اینکه این گروه با نویسنده آن مذاکره و حقوق کتاب را خریداری کردند. برخی با دیدن نقش قاضی بازنشسته «چهل‌سالگی» آن را بدعتی می‌دانند. ولی کارگردان اعتقادی غیر از این دارد و معتقد است بسیاری از فیلم‌های بزرگ دنیا که حتی کاملاً شخصی و هنری هم بوده‌اند، گاه شعار می‌دهند و این اصلاً امر بدی نیست.

### کیفر



عشق‌های بی‌ثمر، عشق‌هایی که به خاطر پول کنار گذاشته می‌شوند، عشق‌هایی که به‌یقینا کشیده می‌شوند، زندگی زیرزمینی در این تهران بزرگ از «کیفر» و قییده کاملاً بدعتی است. حسرت برای آنهایی که با تکیه بر این داستان تهران این فیلم با اکران نامناسب از آن گرفته شد و کارگردانش نیز برای ساخت اثری دیگر به اصفهان سفر کرد تا همه عوامل در کنار هم سبب شود فیلم زیاد دیده شود و زیاد درباره‌اش گفته نشود. آخرین ساخته «حسن فتحی» این روزها در حال اکران است؛ فیلمی که برخی آن را فیلم‌فارسی می‌دانند و برخی آن را یک ساخته مهم. برخی به اشاره‌ها و کنایه‌های تاریخی موجود در فیلم اشاره می‌کنند و برخی آن را کلاماً بر پایه اصول ساختن فیلم‌های متداول هالیوود می‌دانند. فیلم پربیع و خم است. شخصیت‌ها کم‌کم خود را بروز می‌دهند و معرفی می‌شوند. اینها توانایی نویسنده‌گان اثر است و کارگردانی که چهره دیگری از تهران را نشان می‌دهد؛ چهارپای که حتی برای آن‌ها به تکیه بر این داستان تهران کاملاً ناشناخته بود. این مردان و زنان که اسیر پول می‌شوند، از پول می‌گذرند و در عشق ناکام می‌شوند، به پست‌ترین وجه فیلم شد حضور یک بازیگر اقلان در نقش یک دختر زائنی بوده است. برای این نقش ابتدا با سوسائو بازیگر سریال «فسانه جومونگ» صحبت شد که دستمزدش به اندازه ازدواج کرده و به امریکا رفته و دیگر بازی نمی‌کند. بازیگران دیگر هم از اینکه سرشان تراشیده شود، مشکل داشتند و در نهایت به یک بازیگر زن با سابقه، راسیند که در توشان کار کرد و شخصیتش احترام‌راکنیز بود.